

داستان‌های خارجی / ۱۳۳

به خونسردی

نوشته

ترومن کاپوتی

ترجمه

هفته‌راست



مؤسسه انتشارات امیرکبیر

تهران، ۱۳۹۸

سرشناسه	: کاپوتی، ترومن، ۱۹۲۴ - ۱۹۸۴ م.
	Capote, Truman
عنوان و نام پدیدآور	: به خونسردی / نوشته ترومن کاپوت؛ ترجمه باهره راسخ.
مشخصات نشر	: تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۴۶۰ ص.؛ ۵/۱۴×۲۱ س.م.
فروست	: داستان خارجی؛ ۱۳۳.
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: عنوان اصلی: In cold blood
یادداشت	: کتاب حاضر در سالهای مختلف توسط ناشران متفاوت منتشر شده است.
یادداشت	: چاپ سوم.
موضوع	: داستان های آمریکایی -- قرن ۲۰ م.
نوع	: American fiction -- 20th century
شناسه افزوده	: راسخ، باهره، مترجم
رده بندی کده	: PS/۳۵۳/الف۲۱۶ پ۹ ۱۳۹۶
رده بنا	: ۸۱۳/۵۴
شمار کتابشناسی	: ۵۱۲۱۶۸۷

شماره: ۹۷۸-۹۶۴-۰۰-۱۹۳۹-۹

این کتاب برگردانی از
In Cold Blood Atrue Account of a Multiple Murder and its Consequences by Truman Capote
Random House New York, 1965.



مؤسسه انتشارات امیرکبیر

تهران: خیابان جمهوری اسلامی، میدان استقلال، صندوق پستی: ۱۱۳۶۵-۴۱

به خونسردی

© حق چاپ: ۱۳۴۷، ۱۳۹۸، مؤسسه انتشارات امیرکبیر

نوبت چاپ: سوم

نویسنده: ترومن کاپوتی

مترجم: باهره راسخ

ویراستار: پرویز شیشه‌گران

حروف متن: میترا ۱۴

چاپ و صحافی و لیتوگرافی: چاپ روز

شمارگان: ۱۰۰

بها: ۶۴۹۰۰ تومان

تلفن مرکز فروش: ۰۲۱-۱۲۸۰۰۰۰

فروش اینترنتی: www.amirkabir.net

همه حقوق محفوظ است. هرگونه نسخه برداری، اعم از زیراکس و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی، و اقتباس در گیومه در مستندنویسی، و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

مقدمه

ترومن کاپوتی^۱ نام اصلی ترومن استرکفوس پرسنز^۲ در سی ام سپتامبر سال ۱۹۲۴ در ایالت میسوری به دنیا آمد. وقتی چهارساله بود پدر و مادرش از یکدیگر جدا شدند و سنجور بدنه سالگی در آلاباما نزد اقوام مادرش زندگی کند. در نوجوانی تصمیم گرفت به تحصیل دانشگاهی را بزند و بیفتد پی نویسندگی. در جوار خانه آنها در شهر مونروویل، خانواده نلی هارپرلی زندگی می کردند. به زودی آن دو دوستان نزدیکی شدند، و هر دو روی شخصیت های داستانی که خلق کردند از شخصیت های هم وارد کردند. اوایل دهه چهل میلادی دو سالی را در هفته نامه نیویورکر کار شاگردی و به نویسی کرد و بعد به خاطر توهین به رابرت فراست شاعر از آنجا بیرونش انداختند.

ترومن که کودکی منزوی و تنها بود، نخستین احساسش را در یازده سالگی نوشت. در آن زمان با مادرش که با پارچه فروشی کریمی به نام جوزف کاپوتی ازدواج کرده بود، در نیویورک سیتی زندگی می کرد.

جوزف کاپوتی او را به فرزندخواندگی اش قبول کرد و نام ترومن گارسیا کاپوتی را بر او نهاد و به دبیرستان فرستاد. اما او مدرسه را تمام نکرد و

1. Truman capote

2. Truman streckfus Persons



دیگر به‌طور رسمی به تحصیل ادامه نداد.

بیست و یکی دو ساله که شد، چاپ نخستین داستان‌های کوتاهش در نشریه هارپرز بازار شهرتی در دنیای ادبیات برایش به هم زد و همان سال نخستین رمانش را هم نوشت: *گذرگاه تابستان*، رمانی که تا سال‌ها بعد از مرگش منتشر نشد. دو رمان بعدی او که با نام‌های *صداهای دیگر*، *آنانچه می‌ماند*، *دیگر و جنگ علفزار*، بر شهرت او افزودند. در سال ۱۹۹۵ از روی *جنگ علفزار* یک اقتباس سینمایی به کارگردانی چارلز ماتئو ساخته شد. کاپوتی عاقبت معشرت و بازیگوشی و سرک کشیدن به هر سوراخی بود. حالا که بین داستان و فیلم برای خودش نامی در کرده بود، تصمیم گرفت عرصه‌های دیگر را هم بیازماید. به شوروی سفر کرد و مجموعه مقالاتش دربارهٔ جامعه و مردم شوروی در *مجله نیویورکر* به چاپ رسید و سپس در سال ۱۹۵۶ در قالب کتابی به نام *آوازی می‌زند به گوش می‌رسد* منتشر شد. اقتباسی نمایشی از *جنگ علفزار*، نمایشنامه‌های موزیکال *گلخانه جست‌وخیزهایش* در تئاترند. به هالیوود رفت و فیلمنامه‌نویسی محک زد. *شیطان را شکست* بده که جان هیوستون آن را ساخت و یک دهه بعدتر در *قتل به دلیل مرگ* بازیگری را هم تجربه کرد. هم‌نگام این‌ها مقدار زیادی گزارش برای معتبرترین نشریات امریکا نوشت و به سبکی شخصی و بدیع در روزنامه‌نگاری رسید.

در سال ۱۹۵۸ رمان کوتاه *صبحانه در تیفانی* را منتشر کرد. داستانی جذاب که شهرت کاپوتی را به اوج رساند و باعث شد که نورمن میلر او را «بی‌نقص‌ترین نویسنده نسل خود» بنامد. در سال ۱۹۶۱ بلیک ادواردز بر مبنای این داستان، فیلم موفقی با بازی ادری هیورن و جرج پیارد ساخت که شهرت رمان را دوچندان کرد.



اما آنچه به ترومن کاپوتی جایگاه یکی از استادان بزرگ ادبیات آمریکا را بخشید رمان به خونسردی بود که بعد از انتشار صبحانه در تیفانی هشت سالی برای انجام تحقیقات و نوشتنش وقت گذاشت؛ کاپوتی بر مبنای خبری سیصد کلمه‌ای که در شماره ۱۶ نوامبر سال ۱۹۵۹ در روزنامه نیویورک تایمز به چاپ رسیده بود، داستانی تنظیم کرد که ترکیبی جذاب و غریب از رمان‌نویسی و روزنامه‌نگاری و تجربه گزارش یک قتل واقعی به میانجی فنون و سردهای داستانی ویسی بود. حاصل، یکی از درخشان‌ترین رمان‌های همه اعصار تاریخ ادبیات آمریکاست که کاپوتی خود آن را «رمان غیرداستانی» نامید. او برای خلق این اثر همه کسانی که در مورد موضوع اطلاعی داشتند مصاحبه‌هایی ترتیب داد. کاری برای ثبت این مصاحبه‌ها نه از ضبط صوت استفاده کرد و نه یادداشت برداشت، فقط هر شب آنچه را که در حافظه‌اش ضبط کرده بود، در دفتری می‌پرست. خونسردی پس از چاپ با موفقیت بسیار روبه‌رو شد و در فهرست پرفروش‌ترین کتاب‌های سال قرار گرفت.

ریچارد بروکس در سال ۱۹۶۷ بر مبنای این کتاب فیلمی سیاه و سفید ساخت که بهترین نمونه‌های فیلم مستند داستانی را تاریخ سینما به شمار می‌رود.

بعد از به خونسردی دیگر تلفیق داستان و گزارش مشخصه اصلی هر آنچه بود که نوشت، شاخص‌ترینشان یک رمان کوتاه به نام نبوت‌های دست‌ساز، و سیزده گزارش داستان که همگی با هم در کتابی با نام موسیقی آفتاب‌پرست‌ها گرد آمدند.

رمانی که یک دهه آخر عمرش را صرف نوشتن آن کرد و سرانجام نیمه‌کاره ماند دعا‌های مستجاب شده نام داشت.

مجموعه آثار کاپوتی حجم چندانی ندارند اما غنا و ابداعاتشان بر



داستان‌نویسی و روزنامه‌نگاری نسل‌های بعدی تأثیری قطعی و آشکاری گذاشتند. سال‌های آخر عمر خود را به‌شدت گرفتار انواع مخدرات بود؛ کاپوتی در بیست و پنجم اوت سال ۱۹۸۴ در منزل یکی از دوستانش بر اثر سرطان ریه در لس‌آنجلس درگذشت.

در سال ۲۰۰۵ بنت میلر کارگردان آمریکایی، بر اساس بخشی از زندگی ترن کاپوتی فیلمی ساخت که فیلیپ سیمور هافمن در نقش نویسنده در آن درخششی خیره‌کننده داشت و توانست جایزه اسکار بهترین بازیگر مرد آن سال را از آن خود کند. این فیلم که کاپوتی نام داشت، به دغدغه‌های نویسنده در زمین‌هایش داستان به خونسردی می‌پرداخت و مسیر تحقیقات او را برای به‌دست آوردن جنایت دقیق جنایت‌کنزاس بازسازی می‌کرد.